



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

سیاست های (قدرت) مرزی دوباره متولد شده در بحران پناهندگان: خطوط

رقابتی (مورد نزاع) مرزبندی و ظهور مجدد تعارض هویت : مورد صربستان و

کرواسی

چکیده: بحران پناهندگان در سال های 2015 و 2016 منطقه بالکان غربی را به عناوین اصلی بین المللی خبری آورده است. ماه ها اصطلاح " مسیر-غربی بالکان " بود، در واقع یک مسیر مهم شریانی برای پناهندگان بود که هدف نهایی آن دستیابی به آلمان و کشورهای دیگر اروپای غربی بود. این فصل با ایجاد یک مدل مفهومی و بر اساس استدلال رابطه ای راجرز بروباکر، و به منظور توضیح اهمیت مداوم ناسیونالیسم و در نتیجه سیاست مرزی (قدرت) در منطقه آغاز می شود. این فصل با نشان دادن کشمکش و اختلافات بین کرواسی و صربستان در مورد پناهندگان در پاییز سال 2015، ساختار جنگ هایی که به تازگی در حال ظهور است و همچنین گفتمان هویتی که مفهوم مرزها و مرزبندی در بالکان را در بر می گیرد، نشان می دهد. این فصل استدلال می کند که تحولات در " مسیر-غربی بالکان " و در اطراف آن، به ظهور مفاهیم مرزها و تمایلات در قلمرو سیاسی کمک کرده است. بحران پناهندگان دوباره خطوط فساد هویتی قدیمی را باز کرد و دوباره آن را افزایش داد و به این ترتیب موجب افزایش ناسزا و رفتار ناسیونالیستی شد. بحران پناهندگان و حوادث بعدی به طور قابل ملاحظه ای موجب تایید مرزها و در نتیجه تقویت مفاهیم منحصر به فرد دولت ملی در بالکان شد.

کلید واژه ها: سیاست های مرزی • پناهندگان • ملی گرایی • بالکان غربی • صربستان • کرواسی

مفاهیم مرزها و معادلات

1. معرفی

بحران پناهندگان سال های 2015 و 2016 منطقه بالکان غربی را به عناوین اصلی بین المللی خبری آورده است. ماه ها اصطلاح " مسیر-غربی بالکان " ، در واقع یک راه بزرگ شریانی برای پناهندگان سوریه، عراق و افغانستان بود

که هدف نهایی آن دستیابی به آلمان و کشورهای اروپای غربی دیگر بود. در حال حاضر کشورهای ضعیف و ناپایدار بالکان غربی تلاش می کنند تا با توده های مردم پناهنده مقابله کنند، که منجر به ظهور خطوط مرزی و تعارض هویت جدید و همچنین ظهور ملی گرایی جدید در سراسر منطقه شده است. دولت های بالکان که در حال حاضر شکننده و ناپایدار هستند، تلاش هایی برای مقابله با انبساط پناهندگان ایجاد کرده اند، که منجر به ظهور خط مشی های جدیدی و خط مشی هویت و همچنین ظهور ملی گرایی جدید در سراسر منطقه شده است. بسته شدن مرزهای کرواسی و صربستان در پاییز سال 2015، در اوج بحران پناهندگان، موجب تقویت خصومت های قدیمی و افزایش بی حرمتی گفتگوها گشت. از آغاز بحران در جنوب شرقی اروپا شاهد ایجاد حصارهای جدید در مرز بین اسلوونی و کرواسی، بین مقدونیه و یونان و غیره بوده ایم. این موضوع باعث شده است که بحث در مورد پیامدهای مرز جدید، در هر دو مورد ثبات و همکاری منطقه ای و همچنین مسائل گسترده تر از قبیل اتحاد اتحادیه اروپا، هویت های ملی و توسعه بیشتر دموکراسی در منطقه ایجاد شود.

در مقابل پیش زمینه بحران اخیر پناهندگان، من در این فصل استدلال می کنم که از پاییز سال 2015، تحولات در بالکان غربی به ظهور مجدد مفاهیم مرزها و مرزبندی در حوزه سیاسی کمک کرده است. من به طور عمد اصطلاحات "ظهور مجدد" را برای رویدادها و بحث ها که به طور مستقیم به گفتمان ها و روایات در اوایل دهه 1990 ارتباط دارد، استفاده می کنم. یا دقیق تر اینکه، دهه 1990 محل تولد سیاست مرزی (قدرت) در بالکان است، در حالی که رویدادهای اخیر می تواند به عنوان طولانی شدن و تولد دوباره در شرایط جدید توصیف شود. در هر صورت، پس از یک دوره همکاری و عادی سازی منطقه ای افزایش یافته و شدید از سال 2000 (حداقل بین کرواسی و صربستان و همچنین وسیع تر)، بحران اخیر پناهندگان دوباره خطوط خطی هویت قدیمی را باز کرده و بنابراین موجب افزایش سخنوری و رفتار ناسیونالیستی شد. بحران پناهندگان و حوادث بعدی به طور قابل ملاحظه ای موجب اثبات مرزها و همچنین تقویت مفاهیم منحصر به فرد دولت ملی در بالکان شده است. در اینجا من استدلال می کنم که روند ابزاری سیاسی (تفاوت قومی / ملی) و مرزهای (حقیقت و گفتمان) بین ایالت های بالکان بر اساس ملی گرایی و خطوط تعارض هویت قدیمی دهه 1990 می تواند به عنوان سیاست های مرزی (قدرت) توصیف شود. من این نوع

سیاست مرزی را به عنوان سیاست قدرت توصیف می‌کنم، که به هدف نهایی که توسط نخبگان سیاسی (ناسیونالیست) در منطقه دنبال می‌شود، و اساساً با همان قدرت باقی می‌ماند اشاره می‌کند. بر اساس افکار نظری مربوط به ناسیونالیسم، هدف فصل بعدی (a) ایجاد یک مدل مفهومی جهت تبیین اهمیت دائم ناسیونالیسم و در نتیجه سیاست‌های مرز (قدرت) منطقه‌ای بر اساس استدلال رابطه‌ای راجرز بروباکر، (ب) طرح سیاست جدید مرزی ظهور یافته (قدرت) در ناحیه منطقه‌ای جنوب شرقی اروپا بر پایه اختلاف بین پناهندگان بین کرواسی و صربستان در پاییز 2015 و (ج) کشف ساختار مبارزات سیاسی جدید و گفتمان هویتی دربرگیرنده مفهوم مرزها و تعرفه‌های مرزبندی بین کشورهای بالکان غربی می‌باشد.

این فصل به تحلیل گسترده ادبیات عمومی مربوط به ملی‌گرایی و همچنین ادبیات منطقه‌ای در مورد اثرات و پیامدهای ناسیونالیسم در بالکان غربی پرداخته است. مطالعه موردی در مورد صربستان و کرواسی در طول بحران پناهندگان، بر اساس تجزیه و تحلیل اظهارات سیاست‌گذاران، و همچنین تجزیه و تحلیل محتوای گزارش رسانه‌های خبرگزاری‌های عمده منطقه‌ای می‌باشد.

2 زمینه: ریشه‌ها و تداوم سیاست‌های قومی-ملی‌گرایی و مرزی (قدرت) در بالکان

در سال‌های گذشته سیاست‌های یوگسلاوی سابق توسط ناسیونالیسم و فرآیند ساخت و ساز دولت ملی بر اساس مرزهای سخت بین ملل و مرزهای هویت تازه تاسیس منحصر به فرد ایجاد شده است. جشن‌های سالانه در زمینه پرندگان توکا (کوزوو پلیچ) در تاریخ 28 ژوئن، شروع پایان یوگسلاوی سابق را مشخص کرد. در نهایت، این جشن‌ها به نمادی از خطوط الحاق جدیدی که در جامعه یوگسلاوی گسترده‌تر شکل می‌گرفت، تبدیل شدند. نزدیک به یک میلیون نفر از سرب‌ها برای جشن ششصدمین سالگرد نبرد کوزوو پلیچ در سال 1989¹ جمع شدند. اسلوبودان میلوشویچ، که در سال 1987 قدرت صربستان را در دست گرفت، در جریان مراسم جشن‌ها نشانه‌های مهم را ارائه داد، و مرحله پایانی مبارزات مردمسالاری ملی خود را بر علیه تبعیض ادعایی صربستان در دولت یوگسلاوی بر پا کرد. میلوشویچ با یادآوری جمعیت‌درگیری‌های احتمالی خشونت‌آمیز در آینده نزدیک و گسترش همه قدرت‌های

¹نبرد کوزوو پلیچ در 28 ژوئن سال 1389 اتفاق افتاد، زمانی که یک ارتش مسیحی با عثمانی‌های مهاجم روبرو شد. نبرد در افسانه ملی صربی برجسته است.

لفظی خود برای ایجاد خطوط محکم تمایز بین صرب ها و کشورهای غیر دوستانه در اتحادیه یوگسلاوی، آغاز سیاست مرزی (قدرت) بر اساس منابع ناسیونالیسم را مشخص کرد (Magas 1992؛ Jovic 2003؛ Allcock 2000).

از این نقطه به بعد، بحران دولت یوگسلاوی حاد شد و فروپاشی آن آشکار شد. ملی گرایی صرب های میلووشویچ اشکال جدیدی از تشکیلات سیاسی ملی گرا را در سایر جمهوری های یوگسلاوی به وجود آورد. فرانئو توجمان به عنوان همکار میلووشویچ در کرواسی ظاهر شد. توجمان یک دولت ملی کروات یکسان قومی را ترویج کرد و بر تفاوت های بین کرواسی و جمهوری های دیگر تاکید کرد. پیش از این، در آغاز دهه 1990، شکاف عمیق بین جمهوری های غربی اسلوونی و کرواسی از یک طرف، و اتحاد متشکل از صربستان از سوی دیگر، به سرعت در حال گسترش بود. این امر منجر به تخریب لیگ کمونیستهای یوگسلاوی در ژانویه 1990 شد و پس از آن منجر به اختلافات قومی و جنگ های خشونت آمیز شد. یوگسلاوی سوسیالیستی در حال رشد بود (رامت، 1992؛ وودوارد، 1995؛ ژووویچ، 2003). "تولد دوباره" ملل و در نتیجه مرزهای جدید ملی در جنوب اروپا منجر به شیدایی و دیوانگی ملی گرایی با قربانیان فراوان و ایجاد مرزهای ملی جدید در بالکان شد که نه تنها با ایالات جدید، بلکه همچنین توسط هویت های قومی و ملی قوی و منحصر به فرد مشخص شد (Mappes-Niediek 2005). نبرد به منظور مرزبندی یا تعیین حدود قومی "دیگر"، به عبارتی مبارزه با تمام وجود، به عنوان یکی از ویژگی های اصلی سیاست در منطقه در دهه 1990 تبدیل شد و تنها در دوره بعدی به اصطلاح "انتقال به دموکراسی" ادامه یافت. تفسیر گذشته اخیر، بر اساس روایت های منحصر به فرد در مورد وقایع دهه 1900 است (Ingrao و توماس 2009)، که تا به امروز یک منبع قدرت کامل به جای گذاشته شده است، و قادر به ایجاد اختلافات احتمالی بالقوه و بازنگری خطوط مرزی و مرزبندی گروه های قومی، ملل و دولت های تازه تاسیس در بالکان است. خطوط جداسازی عمیق و هنوز هم پایدار و در عین حال ایجاد شکاف بین داستان کرواسی و صرب، روایت بوسنیایی، کرواسی و صربستان در بوسنی و هرزگوین، و یا روایت بین آلبانیایی ها و صرب ها در کوزوو (و بیشتر در جنوب بین یونان و مقدونیه ایها) تا امروز به عنوان مخزنی برای هر گونه سیاست مرزی (قدرت) که ظهور یافته عمل می کنند. در مقابل، این دقیقاً زمینه ای است که سعی می

کنم در آن جدیدترین ظهور سیاست های مرزی (قدرت) را در جریان بحران پناهندگان در سال های 2015 و 2016 بررسی کنم.

3 مفهوم سازی ملی گرایی و سیاست مرزی (قدرت) در اروپای جنوب شرقی: شکل گیری ارتباطی و ایجاد "گروه بندی" در اطراف مرزها

در حال حاضر اصطلاح قدیمی " قومی " مرزهای بین گروه ها را بر اساس تمایز و انحصاریت "قومی" خود جوش مشخص می کند(ولکان، 1999). بنابراین، مرزهای قومی معمولاً نتیجه یک فرآیند انعکاسی انتخاب است؛ آنها فقط در مخالفت با گروه های مشابه ساختار یافته انفاق می افتند(اوروال و هکسین، 1993: 600). این فرایند در نهایت منجر به پیدایش خطوط مرزی و مرزبندی (از لحاظ گفتمان و همچنین مرزهای ارضی / مادی) خط مقدم می شود. مخالفت با دیگری و انتخاب با توجه به تمایز بین "ما" و "شما"، یک فرایند دائمی همراه با مفاهیم و تغییرات است، در جایی که مخالفت لزوماً همیشه وجود ندارد. به طور کلی اغلب " تصور دیگر " (آندرسون 1988)، حتی در یک گروه قومی یا ملت، برای به تصویر کشیدن مرز بین "ما" و "آنها" مناسب است.

پتانسیل احتمالی آنها تنها زمانی توسعه می یابد که، یگانگی و انحصاریت آنها در معرض خطر قرار می گیرد و از لحاظ قدرت بازی سیاسی، به منزله منافع گروه های قدرت و شبکه ها (از جمله احزاب سیاسی، الیگارش و غیره) در معرض خطر باشند (بارت 1969).

بنابراین، قومیت ابزار است که می تواند در شرایط مختلف سیاسی تفسیر شود و در شرایط مختلف سیاسی به طور متفاوتی مورد استفاده قرار گیرد. قومیت رابطه بین دو یا چند گروه است، نه یک ویژگی گروهی، آن ویژگی بین گروه و نه در داخل گروه وجود دارد. . . . قومیت ارتباطات پایدار و نظام مند تفاوت های فرهنگی بین گروه ها است که خودشان را متمایز می کنند. به نظر می رسد زمانی که تفاوت های فرهنگی در تعامل اجتماعی آشکار می شوند، باید در سطح زندگی اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرند، نه در سطح فرهنگ نمادین. بنابراین قومیت رابطه ای و همچنین موقعیتی است؛ شخصیت قومی یک برخورد اجتماعی در شرایط خاص است. به عبارت دیگر، مطلق نیست. (اریکسون، 2002: 58).

یک بینش مهم نسبت به شخصیت نسبی یا رابطه ای گروه های قومی و ملل که برای مفهوم سازی سیاست مرز (قدرت) مناسب است، با چارچوب های نظری و تحلیلی راجرز بروباکر ارائه شده است. نقطه عزیمت بروباکر، بازنگری انتقادی مفهوم «گروه» است، که مفهومی است که معمولاً در قالب نظریه های ناسیونالیسم پذیرفته می شود و اغلب خیلی مورد بررسی قرار نمی گیرد. بروباکر تمایل دارد که گروه ها را بعنوان "گروه بندی" نام ببرند (به کار بروباکر نگاه کنید، 2002). او تأکید کرد که به متوقف کردن غیرقانونی طبقاتی از فعالیت های قومی سیاسی و ملی گرایانه ای که به عنوان دسته های تحلیل اجتماعی هستند، نیاز دارد.

او با فراخوانی گروه ها (بازیگران) آنها را تحریک می کنند، آنها را فراخوانده و آنها را به وجود می آورند. دسته های آنها برای انجام دادن است و برای به حرکت در آمدن، ایجاد، توجیه، حرکت بسیجی، روشن شدن، و قوت بخشیدن طراحی شده است. بوردی یادآور می شود که کارآفرینان قومی سیاسی با اصلاح گروه ها، و با توجه به آنها به عنوان چیزهای قابل توجه در جهان می توانند به تولید آنچه که ظاهراً توصیف یا تعیین می کنند، کمک کنند (بروباکر، 2002: 7).

من پیشنهاد می کنم که با در نظر گرفتن تفکر بروباکر و مفهوم سازی مجدد گروه ها و ملت ها گام بعدی اینست که مرزها و در نتیجه سیاست مرزی (قدرت) می تواند در کنار خطوط تفکر بروباکر درباره "گروه" مورد توجه و مفهوم سازی قرار گیرد. معمولاً، مرزهای سرزمینی، هنگام مذاکره و توافق انجام شده، مورد توجه قرار می گیرند، و دلیل خوبی برای اینست که قلب قوانین بین المللی قرار گیرند، و با مفهوم سازی دولت مدرن و حاکمیت آن مرتبط باشند. با این حال، در مواردی مانند یوگسلاوی سابق، که چندین لایه کشمکش بین مرزها و خطوط مرزبندی در گذشته داشته ایم، مرزهایی که به عنوان «چیزهایی در جهان» (بروباکر، 2002) به کار گرفته می شوند، به دسته های انجام شده تبدیل می شوند. در این فرایند، مرزها قادر هستند که اختلافات را متوقف کنند، بوجود آورند، توجیه کنند، بسیج کنند، تحریک کنند و قوت بخشند، و بنابراین قادر به تقویت قدرت ملی گرایان و در نهایت تقویت موقعیت های قدرت هستند. این دقیقاً روند (الف) بسیج نمودن، قوت بخشیدن و استفاده از تفاوت ها (تفاوت های

قومی دقیق تر در بستر یوگسلاوی سابق) برای اهداف قدرت (به دست آوردن و حفظ قدرت)، و (ب) ایجاد مرزها به عنوان خطوط تمایز بین گروه "ما" و گروه "دیگری" است که من آن را سیاست "مرز (قدرت)" تعریف می‌کنم.

مدل تحلیلی بروباکر می‌تواند با بازگشت به حوادث یوگسلاوی سابق در آغاز دهه 1990، توضیحی برای ظهور ناسیونالیسم و سیاست مرزی (قدرت) در دهه 1990 ارائه دهد. بروباکر بر اساس نظریه میدان‌های پیر بورودیف و روابط بین فیل‌ها، یک چارچوب تحلیلی جدید را ارائه داد که تجزیه و تحلیل پویایی ناسیونالیسم را به ارمغان آورد (بروبکر، 2006). با توجه به استدلال بروباکر باید گفت که ناسیونالیسم در حوزه‌های سیاسی ایجاد می‌شود، که او آن را به عنوان "پیوند سه‌جانبه رابطه‌ای" یا "روابط مثلثی" توصیف می‌کند (بروبکر، 2006). ارتباط بروباکر مستلزم یک «وابستگی پویا» در بین سه زمینه (میدان) زیر است: دولت ملی که تازه ظهور می‌کند، در واقع یک اقلیت قومی یا اقلیت ملی است که در آن ساکن است و یک دولت خارجی با "اقلیت ملی" بیگانه است. بروباکر با استفاده از چارچوب خود برای "نماد کلاسیک" خودمختاری پس از جنگ سرد اروپای مرکزی و شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق، یک مارپیچ رو به پایین تعارضی و به طور بالقوه پیدایش خشونت انفجاری ناشی از تعاملات بین سه میدان سه‌گانه خود را پیش‌بینی کرد (همانجا). این مارپیچ ضعیف دقیقاً همان چیزی است که در دهه 1990 در قلمرو یوگسلاوی سابق اتفاق افتاد. ایده‌ی بروباکر این است که منافع و خواسته‌های خاصی که در حوزه‌های مختلف شکل گرفته و دنبال می‌شوند، چارچوب روابط متنوعی را ایجاد می‌کنند (بر اساس داستان‌های متمایز ملی و منحصر به فرد گذشته از ابزار و ابزار سازی ناسیونالیستی این روایت‌ها) که می‌تواند جمعیت را بسیج کند، و "این ظهور "طبیعی بودن" و "ابدیت" را در تعارضات واقعی بین گروه‌های قومی-ملی قرار می‌دهد. هنگامی که به نظر می‌رسد که اختلافات "طبیعی" و "ابدی"، پویای بین این سه رشته می‌تواند توسط نیروهای سیاسی سازماندهی شود، و در نتیجه به یک ابزار قدرت برتر تبدیل می‌شود. مطالعه موردی ما، با خطوط ظاهراً "طبیعی" و "ابدی" بین صرب‌ها و کراوات‌ها، به طور کامل به مدل تحلیلی ارائه شده توسط بروباکر کمک می‌کند.

استیون دل روسو فقدان قدرت تفسیری خاص در پایان نامه بروباکر را نشان می‌دهد. دل روسو چهارمین زمینه ضروری را پیشنهاد می‌دهد که شامل تأثیرات خارجی است و به پیامدهای این در پویایی بین این سه زمینه تعریف

شده توسط بروبکر اشاره می کند. دل روسو دربارهٔ جهانی شدن، و به بیانی دقیق تر در زمینه فرآیندهای "اروپایی سازی"، در مورد عناصر سیاسی یا اقتصادی، هنجاری و تکنولوژیکی یا فرهنگی اروپای شرقی و جنوب شرقی اروپا صحبت می کند (دل روسو، 2004). در حقیقت، در مورد منطقه پست یوگسلاو، جامعه بین المللی و به ویژه اتحادیه اروپا باید به عنوان عوامل خارجی مهم مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

انتخاب عناصر کلیدی مدل بروباکر و اضافه کردن این متغیر خارجی توسط دل روسو به ما کمک می کند که مفهوم بروباکر را به قلمرو سیاست های مرزی (قدرت) امروز در زمینه بحران پناهندگان در بالکان غربی انتقال دهیم. در اینجا، مرزهای بستر یوگسلاوی سابق به عنوان "تفسیر دوباره مداوم، تناسخ و تجدید" ('Ivekovic' 2008) درک می شوند.

بحث کلی من این است که: همبستگی سه جانبه " ملی شدن دولت " یک اقلیت قومی یا اقلیت ملی که در آن ساکن است و یک " وطن ملی " خارجی، موجب قوت بخشیدن به نیروهای قومی-ملی گرایان در دوره انحلال یوگسلاوی سابق، و ایجاد زمینه ای مفید برای ابزار مستمر این ارتباط سه گانه از دهه 1990 تا امروز شد. در نتیجه، رژیم های مرزی جدید در قلمرو یوگسلاوی سابق پیدا شدند، به عنوان مرزهای دولت های جدید ملی (خروج اقلیت های عظیم در خارج) و به عنوان داستان های متقابل انحصاری صورت گرفته است. از سال 2000، روند ادغام اتحادیه اروپا به یک متغیر خارجی غالب تبدیل شد (Dicipic & Wieser 2011؛ BIEPAG 2015) و به عنوان یک میدان چهارم ظاهر شد، که رابطه سه گانه را تحت تاثیر قرار داده است. اگر چه اتحادیه اروپا توانسته است خود را به سیاست های قدرت سیاسی برساند، اما تا کنون قادر به تغییر نگرش ملی گرایی- قومی نبوده است. در نهایت، من استدلال می کنم که بازیگران منطقه در زمان آشفتگی اساسی در داخل اتحادیه اروپا و سیاست های قدرت ضعیف در چارچوب اروپایی سازی تمایل دارند تا از دیرباز و از دهه 1990 به پویایی اصلی ناسیونالیسم و سیاست مرزی (قدرت) عقب نشینی کنند.

4 بحران پناهندگان و درگیری بین کرواسی و صربستان^۲

آخرین بحران مرزی بالکان بخاطر حصارها بوجود آمد. در ماه ژوئیه سال 2015، مجارستان مجسمه ای در امتداد مرز 110 مایلی صربستان ساخت. هنگامی که مجارستان درب های خود را به روی ده ها هزار پناهنده که به طور ناگهانی در درگیری های خشونت آمیز از جمله توپ های آب و گاز اشک آور قرار گرفتند بست، این امر موجب ایجاد تنش های شدید در هر دو کشور گشت. در هورگوس صحنه های هرج و مرج در نزدیکی گذرگاه مرزی با آتش سوزی همراه بود، وسایل نقلیه پلیس و ماشین های آمبولانس در مرز صربستان که از طرف ارتش مجارستان (راديو آزاد اروپا، 2016) بودند در آنجا قرار داشتند. نخست وزیر صربستان، الکساندر ووسی بار دیگر تأکید کرد که سیاست فعلی مجارستان در مورد پناهندگان مضر و خطرناک است. در روزهای بعد او با بیاناتی که در آن مقابله با جنگ جهانی دوم (همانجا) را نشان می دهد، لفاظی و شعاردهی را تشدید می کند.

با این وجود، ساختن حصار مجارستان باعث تأثیر دومینو شد که در سراسر منطقه بالکان پخش شد (ارنست 2015). همانطور که جنگ ها شدت گرفت، توده های پناهندگان خسته از راه همچنان «مسیر غربی بالکان» را ادامه دادند، این بار راه را از مقدونیه به صربستان و شمال به کرواسی، اسلوانی و علاوه بر این از اتریش و آلمان برگزیدند. همانطور که صربستان شروع به انتقال پناهندگان به کرواسی کرد، روابط صربستان و کرواسی به سرعت رو به زوال بود.

زوران میلانوویچ، نخست وزیر کرواسی، خواستار آن شد که صربستان برخی از پناهندگان را به مجارستان یا رومانی بفرستد و قول داده بود که اجازه ندهد که صربستان "ما را احمق فرض کند". اختلافات و کشمکش های پناهندگان بین صربستان و کرواسی سبب شد که این امر منجر به جنگ تجاری شود. بلگراد مرز مشترک اصلی راه عبور باجاکوو بتروویچ را به روی تمام کامیون هایی که دارای روکش کرواسی بودند و همچنین همه افرادی که کالاهای حمل و نقل را در کرواسی تولید می کنند، بست. در مقابل، کرواسی راه عبور ماشین های دارای روکش صربی را بست. در آن زمان، باجاکوو بتروویچ آخرین هشت بند عبور بودند که بعد از درگیری های هفته گذشته باز هم برای کامیونها و

² به طور خلاصه، اگر چنین نباشد، در اینجا رویدادها و تحولات بر اساس پیگیری مداوم گزارشات رسانه ای پیرامون بحران پناهندگان ارائه شده توسط راديو آزاد اروپا، T-Portal، net92B و الجزیره بالکان است.

اتومبیلها باز شده بود. کرواسی بیش از پیش برای جلوگیری از ورود کامیون های که در باجاکوو بتروویچ از صربستان می آمدند، تلاش کرد تا با هدایت مهاجرین به سمت مجارستان و رومانی (بینش بالکانی، 2015) فشار بیشتری بر بلگراد وارد کند.

در حالی که صربستان و کرواسی هر دو الفاظ ملی گرایانه را تقویت می کردند. آنها شروع به سرزنش و اتهام به دروغگویی کردند، در عین حال به طور آشکار اقدامات مخرب یکدیگر را به عنوان اعمال "ترسناک" یا "ننگ" تلقی می کنند. آنچه قابل توجه بود، این واقعیت بود که بالاترین مقامات احیای شعارهای قدیمی، یادآور 1990 سالگی بودند. تبادل آشکار بین نخست وزیر صربستان ووچیک و نخست وزیر کرواسی زرمان میلانوویچ یکی از نمونه های قابل توجه است. این بحث توسط وزیر امور خارجه صرب توسط الکساندر وولین آغاز شد که پس از بسته شدن تمامی مرزهای مرزی کرواسی و صربستان با کرواسی از جمله مقامات کرواسی، گفت: "من متأسفم که بشریت و همبستگی کرواسی فقط دو روز طول کشید"، بلافاصله به همسایگان هشدار داد که صربستانی ها قصد داشتند که موضوع را به دادگاه های بین المللی برساند. میلانوویچ، نخست وزیر کرواسی، از موضع قوی خود در منطقه به عنوان یک کشور عضو اتحادیه اروپا، به شدت واکنش نشان داد و قدرت صربستان را با یک روند صعودی مقایسه کرد، که نمادی از چیزی کوچک و بی اهمیت است. او افزود: "An) عقاب پرندگان را شکار نمی کند. کرواسی یک عقاب است" (2015.net 92B, 18 سپتامبر). وزیر امور خارجه صربستان ایویکای داک با نقل قولی از یک فیلم یوگسلاوی بسیار مشهور سابق به نام "جاسوسی از بالکان" (عنکبوت بالکانی) پاسخ داد: "عقاب نابود شد". و سرانجام، ووکسی، نخست وزیر، گفت که او طعمه ارسال یک پیام به زاگرب نیست، مبنی بر اینکه صربستان هر کاری که می تواند برای محافظت از منافع خود انجام دهد (همانجا).

در گذشته نیز عمدتاً جنگ بوده است، که این در بیانیه ای که در سپتامبر 2015 منتشر شد، دیده می شود. به عنوان مثال، نامه اعتراضی وزارت امور خارجه صرب که به سفارت کرواسی در بلگراد فرستاده شد، خواستار ممنوعیت سفر دارندگان گذرنامه صربستان شد، که معیار مناسبی برای "جهان متمدن" نمی باشد. بیانیه وزارت چنین ادامه داد: "شخصیت تبعیض آمیز چنین فعالانی را می توان با اقدامات انجام شده در گذشته، در زمان دولت مستقل

کرواسی فاشیست مقایسه کرد (b2015.net 92B، 24 سپتامبر). در حالی که صربستان گریه نازیسم و طوفان را به یاد می آورد (عملیات نیروهای کرواسی در مقابل قلمرو کرواسی در سال 1999 که حکم آن توسط صرب ها صادر شد)، طرف کروات، ووکووار³ را ذکر کرد که به طور متناقضی شهری در نزدیکی محل عبور پناهندگان مرز بین دو کشور است.

این مبادله خشونت آمیز بر خلاف پیشینه روابط زودگذر صربستان و کرواسی پر از تجاوزات تاریخی رخ داده است (گاگون، 2004). اختلاف عمده بین این دو دشمن سابق، به خاطر تفسیرهای مختلف جنگ به وجود آمده است. در حالی که داستان های نقل شده مربوط به کرواسی، در واقع کرواسی ها را بعنوان پیرو یک جنگ حقوقی برای محافظت از حاکمیت خود می بینند، روایات مربوط به صربی ها آنها را به عنوان قربانیان پاک سازی قومی و فاشیست کرواسی ('2012Jovic) نشان می دهند. نیروهای ملی هر دو طرف، این روایتهای متقابل منحصر به فرد را در دستور کار قرار داده اند و از هر فرصتی برای تعریف طرف مقابل به عنوان مطلق «دیگر» استفاده می کنند. این مرز بین دو روایت ملی است که در دوران حوادث مربوط به بحران پناهجویان سال 2015 مجدداً ایجاد و تقویت شد. خصومت کنونی بین کرواسی و صربستان به دلیل ملاحظات سیاسی داخلی و قدرت پویای زاگرب و بلگراد شکل گرفته است. انتخابات کرواسی در فوریه 2016 برگزار می شود. اقتصاد کرواسی در 6 سال گذشته در حال رکود بوده و اخیراً نشانه هایی از رشد را نشان داده است. این یک لحظه خوشایند برای نمایندگان سیاسی کرواسی بود تا شعارهای ناسیونالیستی قدیمی را به عنوان منحرف شدن از مشکلات داخلی بازسازی کند. از سوی دیگر، نخست وزیر صربستان ووچیس خود را در معرض فشار رو به افزایش احزاب راستگرا و برخی از بخش های حزب پیشگام صرب (SNS) خود قرار داده است تا نسبت به آنچه که به عنوان رفتار تهاجمی و تحقیر در کرواسی شناخته شده است، به طور گسترده ای واکنش نشان دهد. در ماه های بعد، صربستان و کرواسی با لفاظی های خشن ادامه دادند که حتی بحث مربوط به خرید سلاح های تهاجمی جدید (نیکولاس، 2016) را در بر گرفت. این بحث را می توان به عنوان ادامه اختلافات محرک ناشی از بحران پناهندگان و حوادث پاییز 2015 تلقی کرد. در جریان این بحث های

³ ووکووار محل اصلی تاسیس بین نیروهای مسلح کرواسی و ارتش یوگسلاوی (JNA) و فرماندهان صرب در نیمه دوم سال 1991 بود که در محاصره شهر و تسلیم نهایی به جنایات جنگی اصلی JNA متعهد شده بودند.

جنگی، رسانه های هر دو کشور پوشش احساساتی خود را افزایش دادند، و سیاستمداران هر دو طرف پیام های بحث انگیز را به یکدیگر می فرستادند. به عنوان مثال، نخست وزیر ووکیک گفت که "صربستان هرگز به کسی حمله نخواهد کرد، بلکه باید بتواند در هر لحظه از قلمرو خود و شهروندانش محافظت کند. ما آرام می شویم، در مقابل با تهدیدات دیگران که دستیابی به سلاح های تهاجمی بسیار قوی را از دست نمی دهند، مواجه نمی شویم (نیکولاس، 2016). سیاستمداران کرواسی با اتهامات شدید علیه وزیر خارجه صرب ویکیک و ایویکای داک پاسخ دادند، و آنها را به خاطر مقامات ارشد حکومت صرب در دهه 1990 که منجر به آغاز جنگ در اسلوونی، کرواسی، بوسنی و کوزوو شد، تبرئه کردند (همانجا).

به طور خلاصه، رویدادهای توصیف شده در بالا یک بار دیگر تاکید کرد که چگونه یک بحران ناشی از خارج (بحران پناهندگان) می تواند خطوط فرسایشی قدیمی و تزلزل و دشمنی های مربوط به سوخت را بلافاصله تقویت کند. استدلال سیاسی کرواسی و صربستان، و این واقعیت که هر دو طرف از بحران پناهندگان به منظور تقویت موقعیت های قدرت خود استفاده می کنند، به منزله یک نمونه پارادایمی سیاست مرزی (قدرت) در خدمات داخلی می باشد. در هر دو دولت کرواسی، که در زمان پیش از این وارد کمپین انتخاباتی شدید شد، و همچنین دولت صرب که در مدت کوتاهی بعد از وقایع روز انتخابات جدید را اعلام کرد، بحران پناهندگان و خطوط جدید فریبنده تازه هدف تقویت موقعیت و تصویر رهبران قوی را دنبال می کرد (میلانوویچ و کیک)

وسلا چرنووا و فردریک وسللا اظهار داشتند: "این بحران انسانی منجر به بدتر شدن روابط بین کشورهای منطقه می شود، با این حال، سیاستمداران مشتاقانه گرایش های خصمانه طولانی مدت را برانگیخته و با تبادل خشن با همسایگان در انتخابات برنده می شود" (Tcherneva and Wesslau, 2015). صربستان و کرواسی خیلی سریع به توهین های متقابل خشونت آمیز دست زدند، و این می تواند با چارچوب موجود موجود برای ظهور ناسیونالیسم از دهه 1990، در درون روابط سه گانه ی بروباکر و همچنین از طریق ابزار سازی ناسیونالیسم و سیاست مرزی (قدرت) از دهه 1990 توضیح داده شود.

ما با حرکت از حوادث 2015 به سمت تحولات اخیر، شاهد کاهش روابط مسیر بالکان در طول 2016 بوده ایم. در آغاز سال 2016، بحث در مورد برخورد با بحران پناهندگان در سطح اروپا به سرعت به سمت معرفی اقدامات سخت گیرانه تر در مرزها با کشورهای اروپای غربی مانند اتریش و بستن مسیر راه بالکان غربی به سمت پناهندگان حرکت کرد. این پیشرفت پس از فوریه 2016 آغاز شد، هنگامی که اتریش تصمیم گرفت تا محدودیت جدیدی را برای پناهندگان در سال 2016 (روستای سابو و بوریچ، 2016) معرفی کند و پناهندگان روزانه به طور محدود اجازه ورود به کشور و ثبت نام در آن کشور را داشته باشد. این امر باعث شد که اتحادیه اروپا از اثر دومینو در مسیر «مهاجر» به اصطلاح بالکان بترسد، ترسی که نه تنها در اثر وقایع پس از کنفرانس غربی بالکان توسط اتریش در 24 فوریه ایجاد شد، بلکه باعث شد که توسط یونان، ایتالیا، آلمان و کمیسیون اتحادیه اروپا مورد انتقاد شدید قرار گیرد. ایالت های بالکان غربی، تصمیم گرفتند از نمونه اتریشی پیروی کنند و یا به شدت تعداد پناهندگان مجاز به عبور از مرزهای خود را به صورت روزانه محدود کنند و یا مرزهای خود را که به آنها نزدیک می شوند را محدود کنند. پس از مارس 2016، مرز بین مقدونیه و یونان، و به ویژه اردوگاه پناهندگان در اودونومی، نقطه عطف جدید و خشونت آمیزی شد و ابعاد جدیدی را به بحران پناهندگان اضافه کرد.

از آنجائیکه که تمرکز بحران پناهندگان در چند ماه اول سال 2016 از بالکان غربی به سمت یونان، ترکیه و دریای مدیترانه منتقل شد، وضعیت روابط میان کرواسی و صربستان بهتر شد. روابط میان کشورهای غربی بالکان به طور رسمی و از لحاظ مدیریت مرزی و مهاجرت بهبود یافته است، به ویژه به این دلیل که آنها شروع به اشتراک گذاری اطلاعات، خطوط ارتباطی باز و هماهنگی بیشتر برنامه ها و سیاست هایی برای مقابله با پناهندگان و مهاجران کرده اند. با این حال، تنش ها و سخنان ملی گرایانه که در پاییز سال 2015 ظاهر شدند، در پایان ماه مارس 2016، در مقابل حکم اعدام علیه (و محکومیت) Vojislav S Eselj در دادگاه لاهه، ادامه و حتی افزایش یافت. مقامات کرواسی و دیدگاه های عمومی با عصبانیت واکنش نشان دادند. نخست وزیر جدید کره جنوبی، Tihomir Ores kovic، این حکم را به عنوان عقب ماندگی عدالت توصیف کرد. این حکم برای دادگاه لاهه شرم آور است و نشان دهنده شکست برای پیگرد قانونی در لاهه است این مردی است که هرگز به خاطر آنچه که انجام داده است، حتی

در حال حاضر نیز همدردی نکرده است. او مردی است که در سواحل کرواسی و اتحادیه اروپا سوزانده می شود (بینک سالک 2016 بالکان). فقط چند روز پس از حکم اسلجی (Seselj)، کرواسی به طور رسمی علیه صربستان اقدام کرد و خواستار رفتار بهتر کروات ها در صربستان شد و اقدامات بیشتری علیه جنایات جنگی انجام داد و شورای اروپا را مجبور کرد تا مذاکرات با بلگراد را در دو بخش قوانین اتحادیه اروپا متوقف کند. مقامات صرب و مردم فوراً واکنش نشان دادند. نخست وزیر ووچیس که خود را در وسط انتخابات یافت، با تصمیم کرواسی خفه شد و پیامی قوی به زاگرب فرستاد مبنی بر اینکه "کرواسی فقط یک دلیل خوب برای این تصمیم نداشت. صربستان ... به هیچ کسی در اروپا و جهان، از جمله کرواسی اجازه نخواهد داد که باج خواهی و تهدید، تحقیر و رفتار بد داشته باشد (Euractiv). این آخرین قسمت کشمکش تازه ظهور یافته بین کرواسی و صربستان پس از بحران پناهندگان است که دوباره نشان دهنده ظهور مجدد سیاست های مرزی ناسیونالیستی (قدرت) در منطقه می باشد.

5 نتیجه گیری: بحران پناهندگان به عنوان یک نقطه تبلور برای نوع جدید سیاست مرزی (قدرت) در بالکان غربی

تحولات اخیر و در حال انجام بحران پناهندگان، تصویری از نامنی در زمینه توسعه بیشتر سیاست های مرزی (قدرت) در بالکان را ارائه می دهد. همانطور که اختلافات کرواسی و صربستان از زمان سقوط 2015 نشان می دهد، سیاست مرزی ناسیونالیستی (قدرت) یکی از ویژگی های غالب بالکان است که موجب پتانسیل بیشتر جهت افزایش وضعیت و ادامه حرکت بسیجی در جوامع خود در باب ناسیونالیسم است این فصل از ملاحظات نظری ناسیونالیسم در مقابل زمینه های نژادی-ملی گرایانه و روایت های متقابل انحصاری از دهه 1990 کنار گذاشته شد. این موضوع تا ایجاد یک مدل مفهومی برای توضیح اهمیت مداوم ناسیونالیسم و در نتیجه سیاست مرزی (قدرت) در منطقه مبنی بر استدلال رابطه ای راجرز بروباکر ادامه یافت. این مقاله با نشان دادن اختلاف بین پناهندگان کرواسی و صربستان در پاییز سال 2015، ساختار جنگ های تازه در حال ظهور و گفتمان هویتی را که مفهوم مرزها و تمایلات در بالکان را در بر می گیرند، آشکار کرد.

ما می توانیم نتیجه گیری کنیم که بحران اخیر پناهندگان دوباره خطوط تعارض هویت قدیمی را باز کرد و دوباره آن را پرورش داد و به این ترتیب موجب افزایش سخنان و رفتارهای ناسیونالیستی شد. بحران پناهندگان بار دیگر به طور

قابل ملاحظه ای به بهبود مرزها کمک کرده و بنابراین تقویت مفاهیم دولت ملی در بالکان، به عنوان یک سیاست مرزی (قدرت) با توجه به تفاوت های قومی و ملی گرایی توصیف شده است. استدلال نهایی ارائه شده در زمان آشفتگی اساسی در داخل اتحادیه اروپا و سیاستهای قدرت ضعیف در چارچوب اروپایی سازی بود، بازیگران منطقه از دهه 1990 به سمت نیروهای اصلی ناسیونالیسم و سیاست مرزی (قدرت) عقب نشینی کردند. بدیهی است که در حال حاضر "ارتباط" سه گانه اصلی بین "دولت ملی"، "اقلیت قومی" یا "ملی" و "سرزمین ملی" خارجی در منطقه و استفاده از روابط دوجانبه راجرز بروباکر تغییر یافته است، در نتیجه موقعیت های ممتاز تر (کرواسی و صربستان) و "اقلیت های ملی" (از صرب ها در کرواسی و کروات ها در صربستان) در موقعیت کمتری نسبت به دهه 1990 وجود دارند. با وجود اینکه رابطه سه گانه تغییر کرده است، برقراری روابط "دیگر" براساس تقسیمات دهه 1990 و ارتباطات دیگر همچنان هم در گفتمان و هم در شرایط سیاست تجربی ("Realpolitik") وجود دارد، (به رویدادهای مربوط به Cirilica در ووکوار، جشن های سالانه ایجا یا طوفان عملیات و یا یادبود های اخیر اردوگاه کار اجباری یاسنوواک نگاه کنید)⁴. بخش چهارم اضافی بحران پناهندگان اروپا که بر مرز بین یک کشور عضو اتحادیه اروپا (کرواسی) و یک کشور کاندید برای عضویت اتحادیه اروپا (صربستان) به عنوان متغیری عمل می کند این تصمیم را شکل می دهد. شواهد محاصره اقتصادی کرواسی با مذاکرات بیشتر اتحادیه اروپا در بهار 2016 حاکی از شدت این رابطه متقابل بین دو همسایه را نشان می دهد.

همانطور که در بحران پناهندگان در بالکان غربی دیده می شود، یک اظهار نظر نهایی و بسیار مرتبط با موضوع ناسیونالیسم و سیاست مرزی (قدرت) وجود دارد که می تواند در کار دیمال سوکولوویچ جامعه شناس بوسنی تشخیص داده شود. استدلال او مربوط به ماهیت درخشان ملی گرایی قومی و در نتیجه سیاست مرزی (قدرت)

⁴ C'irilica در ووکوار به کشمکش در شهر ووکوار راجع به تصمیم دولت کرواسی جهت استفاده قانونی از الفبای سیریلیک در نهادهای دولتی اشاره می کند. نام و نام خانوادگی موسسات نوشته شده در سیریلیک بارها و بارها مورد توسط مردم محلی تخریب قرار گرفت و با تظاهرات شدید نیروهای محافظه کار و ملی ملی کرواسی همراه بود.

Oluja / Storm، عملیات نظامی عمده ارتش کرواسی در تابستان 1995 بود که منجر به تصرف مجدد مناطق سرزمین صرب در Krajina کرواسی گردید. کرواسی تاریخ عملیات را به عنوان یک تعطیلات ملی جشن می گیرد در حالی که صربستان کرواسی را به انجام جنایات جنگی بزرگ در طول دوره خود متهم می کند.

اردوگاه کار اجباری Jasenovac یک اردوگاه خلع سلاح است که توسط مقامات دولت مستقل کرواسی (اسدونیا) تاسیس شده است. مراسم یادبود سالانه که به طور گسترده ای در جامعه کرواسی مورد اعتراض قرار می گیرد، به عنوان برخی از بخش های نیروهای محافظه کارانه-ملی کرواسی است که به انکار نسل کشی در Jasenovac راغب است. مراسم یادبود سال 2016 پس از پیروزی HDZ محافظه کار در انتخابات بود و به طور ویژه مورد بحث قرار گرفت.

(سوکولوویچ، 1997) است. سوکولوویچ معتقد است که هویت های قومی مستعد ابتلا به فلاکت هستند، به این معنی که مراحل فوران های سرخوشی و هیپرتروفی هویت ملی و ملی گرایی با دوره های رخوت و بی تکلف ملی متفاوت است. انتقال از یک حالت به حالت دیگر اغلب به سرعت و به طور شگفت انگیزی رخ می دهد. به دنبال این استدلال، وضعیت فوران های سرخوشی و هیپرتروفی هویت ملی و ناسیونالیسم به ویژه به سرعت و به طور شگفت انگیز در شرایطی اتفاق می افتد که (مانند یوگسلاوی سابق) یک مخزن مناسب ناسیونالیسم و سیاست هویت همچنان در عرصه سیاسی شکل می گیرد. آنچه که ما شاهد هستیم ناشی از آغاز بحران پناهندگانی است که این نوع ماشه هشدار دهنده به دقت کشمکش های اساسی را در منطقه نشان می دهد. و دقیقا در چنین شرایطی است که مرزها می توانند موجب تحریک، پیدایش، توجیه، حرکت بسیجی، روشن شدن و قوت بخشیدن (بروباگر)، تقویت قدرت ملی گرایی گردند، و در پایان، نه تنها مرزهای موجود، بلکه اساسا موقعیت قدرت بیشتری را تقویت کنند.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی